روز شهادت قهرمان ملی ایران خسرو روزبه، روز مبارزه برای رهائی زندانیان سیاسی

ماهنامهٔ
مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

زندان و زندانیان سیاسی در ایران

دفاع مشترك از زندانیان سیاسی وظیفه مقدس کلیه نیروهائی است که با استبداد مبارزه می‌کنند

دفاع از زندانیان سیاسی، وابسته بهر گروه و سازمان مخالف و یا موافق ماست دیرین حزب ماست. ما همواره برای تأمین دموکراسی، ایجاد محیط مساعد بروز و پرورش عقاید و آراء و امکان عملی شرکت مردم در سرنوشت کشور مبارزه کرده‌ایم و از کلیه کسانی که بخاطر داشتن مواضع سیاسی و ایدئولوژیك مخالف رژیم و مبارزه در راه آن، آماج فشار و یورش هیئت حاکمه قرار گرفته‌اند با تمام نیرو حمایت نموده‌ایم. حزب ما پیوسته معتقد بوده است که متافع مبارزهٔ با امپریالیسم مبارزهٔ همه جانبه‌ای را در راه دموکراتیزه کردن حیات اجتماعی و سیاسی کشور ایجاب میکند و دفاع از زندانیان سیاسی، بخش مهمی از این مبارزه است. از چنین موضع صحیح و منطقی است که حزب ما از همه سازمانها و گروههای سیاسی مخالف رژیم، از تمام عناصر ملی و مترقی در داخل و خارج کشور دعوت میکند که با شناختن روز شهادت قهرمان ملی ایران

دنباله در صفحه ٤

روز همبستگی با زندانیان سیاسی ایران

(اعلامیه کمیتهٔ مرکزی حزب توده ایران)

کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران روز ۲۱ اردیبهشت ماه، روز شهادت قهرمان ملی ایران، عضو کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران، خسرو روزبه را بعنوان «روز دفاع از زندانیان سیاسی» تعیین میکند.

همانطور که روز شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر زحمتکشان ایران، «روز شهیدان حزب و نهضت» اعلام گردید، از این پس در روز شهادت روزبه، حزب ما بانگ خود را بدفاع از بندیان استبداد، از فرزندان شرافتمند خلق که در سیه چال ستمگر نشسته اند اعم از تعلق آنها بهر عقیده و گروه سیاسی رسا تر از همیشه بلند خواهد کرد.

ما از تمام نیروها و عناصری که علیه رژیم استبداد شاه مبرزمند دعوت میکنیم این روز را بعنوان روز زندانیان سیاسی برگزار کنند و بهمینسان یاد کرد از شهادت خسرو را به یك عمل رزم آورانه همبستگی با مجاهدان زندانی بدل نمایند.

ما از تمام رفقای حزبی دعوت میکنیم که در این روز کلیه ابتکارات خودرا برای نشاندادن پیوند و مهر خویش به زندانیان سیاسی بکار برند و از هیچگونه کمك مادی و معنوی دریغ نورزند.

ما از همهٔ هموطنان دعوت میکنیم یاری زندانیان سیاسی بشتابند، رژیم دژخیمانهٔ شاه را افشاء کنند، از قهرمانی‌های مجاهدان ضد ارتجاع و استعمار بشایستگی یاد کنند، از حقوق حقهٔ آنها مدافعه نمایند و نگذارند که رژیم در زیر سر پوش دوزخی اختناق تبهکاریهای خویش را پنهان سازد.

ما در این روز بخانواده‌های زندانیان سیاسی که در رنج و مقاومت عزیزان خویش شریکند درود میفرستیم.

جاوید باد نام قهرمان انقلابی حزب و نهضت رهائی بخش ایران - خسرو روزبه!

همه با هم در راه همبستگی رزمجویانه با زندانیان سیاسی ایران!

کمیته مرکزی حزب تودهٔ ایران

تجاوز بیشرمانه امریکا به کامبوج

هجوم وحشیانه امریکا و حکومت دست نشانده سایگون به کامبوج، تجدید حملات هوائی بجمهوری دموکراتیك ویت نام و توسعه دامنه جنگ در تمام شبه جزیره هندوچین خشم و نفرت بی پایان مردم جهان را برانگیخته و صلح جهانی را با خطری جدی روبرو کرده است. نیکسون دژخیم کاخ سفید که پیش از رسیدن بمقام جلادی پنتاگون بمردم نوید صلح میداد و رأی میانوخت، چهره زشت و منفور خود را حتی بآنها که در اشتباه بودند، نشان داد. او روشن کرد که معنی فرا خواندن تدریجی نیروهای امریکا از ویت نام که چندین بار برای فرونشاندن جنبش ضد جنگ در امریکا و تسکین افکار عمومی جهانیان اعلام میداشت، در فرهنگ امپریالیسم جهانخوار چه معنی دارد. دروغگوئی و جنایتکاری نماینده بزرگترین کشور سرمایه داری جهان، سرشت پلید این سیستم محکوم بیرگ را چنان روشن و آشکار کرد که حتی کشورهای عضو پیمان نظامی آتلانتیك هم ناچار از سیاست نیکسون باشکال گوناگون ابراز نگرانی کردند تا مگر از سیل نفرت افکار عمومی و عواقب ناشی از آن خود را بر کنار نگهدارند. هم اکنون این نفرت بصورت تظاهرات مداوم در سراسر دنیا بخصوص در داخل امریکا تبدیل به نیروی مادی شگرفی شده که پایه های حکومت امریکا را بلرزه در آورده است. اعتصاب صد دانشگاه در امریکا و تظاهرات پر شور و پی در پی دانشجویان و مردم که در تاریخ امریکا بیسابقه است، سیاست نیکسون را به بن بست کشانده است. روز نهم ماه مه بیش از صد هزار نفر جلو کاخ سفید واشنگتن سیاست آدمکشی و تجاوز نیکسون را محکوم و اراده مردم امریکا را بپایان جنگ تنگ آور امپریالیسم

بقیه در صفحه ۷

یادکرد سدهٔ میلاد لنین

از جانب حزب توده ایران

حزب توده ایران در چارچوب امکانات خویش کوشید به پذیرهٔ سالگرد میلاد لنین برود و از این تاریخ بزرگ که مبداء پیدایش یکی از بزرگترین مردان دوراندیش جهان است یاد کند. با این عمل حزب به اعلامیه کنفرانس جهانی احزاب کمونیستی و کارگری مورخ ۱۷ ژوئن سال ۱۹۶۹ که از همه نیروهای مترقی و انقلابی جهان بر یادداشتن این سالگشت را خواسته بود، پاسخ مثبت داد.

پلنوم سیزدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران پس از استماع گزارش ویژه

دنباله در صفحه ۲

خسرو روزبه قهرمان ملی ایران

پرچم پیروزمند لنین در اهتزاز است

(سپاسگزاری خلقها از اتحاد شوروی پشتیبان نهضتهای رهائی بخش)

طبقه کارگر و زحمتکشان هر پنج قاره گیتی جشن تاریخی صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین، پیشوای زحمتکشان جهان، بنیاد گزار حزب کمونیست و نخستین دولت سوسیالیستی جهان، متفکر تابنده و انقلابی بیباك را با شکوه و جلال تمام بر گزار کردند. سالجشن تولد لنین نمایش درخشانی بود از پیروزی اندیشه و عمل لنین و وفاداری بی پایان جنبش جهانی کمونیستی و کارگری به پیمان لنین و آرمانهای پیروزی آفرین او.

۲۱ آوریل ۱۹۷۰ بمناسبت این

دنباله در صفحه ٦

مبارزه بر ضد سازمان امنیت

یك وظیفه مبرم است

رژیمی که در نتیجه کودتای ۲۸ مرداد روی کار آمد مهمترین هدف خود را سرکوب جنبش ملی و دموکراتیك مردم ایران قرار داد. دلیل آنهم روشن بود. با وجود نیرو های ملی و دموکراتیك پایمال کردن قانون ملی کردن صنایع نفت و واگذاری مجدد

دنباله درصفحه ۲

درود به مبارزانی که در جریان تظاهرات اسفند ماه تهران زندانی شده اند

یادکرد سدهٔ میلاد لنین

دنبله از صفحه ۱

بمناسبت سدهٔ لنین اجراء یکسلسله اقدامات را تصویب کرد که امروز میتوان خوشبختانه اجراء عملی آنها را اعلام داشت.

بنا بتوصیه این پلنوم، کمیته مرکزی حزب توده ایران طی پیامی خطاب بمردم ایران، آنانرا به برگزاری سدهٔ لنین، این پیشوای بزرگ زحمتکشان جهان و دوست و یاور ارجمند مردم ایران دعوت کرد.

مطبوعات حزب از ماهها پیش به پذیرهٔ سالگرد لنین رفتند و در آستانهٔ سالگرد شماره ویژه نشر دادند. روزنامه ارگان حزب «ماهنامه مردم» بدین مناسبت شمارهٔ ویژه ای نشر داد. شماره بهار مجله دنیا که اکنون در دست تدارک است تماماً به سدهٔ لنین اختصاص دارد.

بدین مناسبت حزب دست به تهیه وطبع و نشر کتابی در اطراف زندگی و آموزش لنین زده است. این کتاب اکنون تحت طبع است و ما اطمینان داریم که رفقای حزبی، مجاهدان جوان و همه عناصر مترقی انتشار آنرا با شور و شوق تلقی خواهند کرد.

از آنجا که مدتهاست آثار چهارجلدی لنین بفارسی کمیاب شده، حزب بمناسبت سدهٔ لنین اقدام به تجدید چاپ این آثار کرده است و امید است در سال جاری نخستین جلد انتشار یابد.

رادیوی پیك ایران که بانگ رسا و آزاد مردم ایران است از مدتها پیش از سالگرد لنین به انتشار انواع گفتارها، اشعار، شعارها و داستانها در بارهٔ لنین دست زد و از این بابت فعالیت توضیحی و تبلیغی وسیعی را انجام داد.

یکی از اهم اقدامات ما در این زمینه تشکیل سه کنفرانس یا سمینار علمی درخارج از کشور است. در این کنفرانسها دهها تن از رفقای ما درأطراف تم های مختلف مربوط به آموزش لنین و نقش لنین در کمك به استقلال و آزادی میهن ما سخنرانی کردند. گزارش تفصیلی این سه کنفرانس علمی در شماره ویژه دنیا درج خواهد شد. حزب میکوشد همانطور که مجموعهٔ سخنرانیهای سمینار علمی مربوط به پنجاهٔ اکتبر بصورت کتابی هم اکنون نشر یافته، مجموعهٔ سخن رانی های سمینار های مربوط به سدهٔ لنین نیز بصورت کتابی درآید. مسلماً این مجموعهٔ سودمند را خوانندگان باعلاقهٔ استقبال خواهند کرد.

بمناسبت سدهٔ میلاد لنین رفقای حزبی در شرایط مختلف در کشور و خارج کشور باانتشار نراکتها، اعلامیه ها و تشکیل جلسات دست زدند. در هر جا که شرایط اجازه میداد، در واحد های حزبی، جلسات باشکوهی تشکیل گردید. در این جلسات سخن رانیهای سودمندی انجام گرفت. این جشنها که در آن گاه مهمانان خارجی نیز شرکت داشتند با شور تمام بر گزار شد و مظهر علاقه و حق شناسی افراد حزب به لنین بزرگ و آموزش انقلابی و شخصیت بی همتای انسانی او بود.

هیئت نمایندگی حزب توده ایران مرکب از رفقا راد منش و اسکندری در مراسم جشن سدهٔ لنین درمسکو و در اجلاس تاریخی بیش از صد سازمان و حزب انقلابی و دمو. کراتیك منعقده در کرملین (آوریل ۱۹۷۰) شرکت جست و از طرف حزب دسته گلی بر سر آرامگاه لنین در میدان سرخ نهاده شد. کمیته مرکزی حزب توده ایران نامه‌ای بمناسبت سدهٔ میلاد لنین خطاب به کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ارسال داشت که متن آن در ماهنامه مردم نشر یافته است.

هیئت نمایندگی حزب ما همچنین در کنفرانس جهانی تئوریك بمناسبت سدهٔ لنین منعقددر پراگ شرکت جست و از طرف هیئت نمایندگی ما در این جلسه سخنرانی انجام گرفت که بموقع خود در مجله صلح و سوسیالیسم بچاپ رسید. بعلاوه از طرف عده‌ای از افراد رهبری حزب در مجلات خارجی بمناسبت سدهٔ میلاد لنین مقالاتی نشر یافت، از آنجمله است مقالهٔ رفیق راد منش در شمارهٔ ویژه مجله صلح و سوسیالیسم و مقاله رفیق طبری در مجله شوروی «آگیتاتور» ارگان حزب کمونیست شوروی.

از طرف سازمان حزب توده ایران در آذربایجان (فرقه دموکرات آذربایجان) بمناسبت سدهٔ لنین یك سلسله اقدامات انجام گرفت. از آنجمله میتوان از تشکیل اجتماعات جوانان با شعار «ما باندیشه لنین وفاداریم»، از اجراء نرمهای بیش از حد تولیدی از طرف کارگران و دهقانان و کارمندان فنی عضو حزب، از تدارك آلبوم و موزائیك مخصوص لنین، از تشکیل جلسه با شکوه جشن سده میلاد لنین، از انتشار کتب «سخنان لنین در باره ایران»، «دموکراتهای ایرانی درباره لنین»، «لنین در ادبیات آذربایجان» و انتشار شماره ویژه «آذربایجان» و غیره نام برد.

این فهرست که هنوز همه اقدامات انجام شده از طرف رهبری یا واحد های حزبی در کشور و یا خارج از کشور را در بر نمیگیرد، بهر حال نمودار تلاشی است که از جانب حزب برای برگزاری شایسته سالگرد میلاد لنین انجام گرفته و مظهر حق شناسی رفقای حزبی ما و مردم ایران از کسی است که قرن ما بنام او واندیشه های لایزال او نوشته میشود.

مقصد از این اقدامات اجراء یکسلسله تشریفات یا احترامات ظاهری نیست. لنین خود مظهر عمل انقلابی در آموختن تئوری با پراتیك، احتراز از جمله پردازیهای انقلابی و خوشگوئیهای میان تهی بود. مقصد ازاین اقدامات بیش اندیشه لنین، معرفی شخصیت او، بر جسته کردن نبوغ او برای روشن کردن و تربیت کردن نسل نوین مبارزان، تجدید سوگند وفاداری به لنین، تقویت روح نبرد طبقاتی و همبستگی انترناسیونالیستی و مقابله با سفسطه و جهالت پراکندی های دشمن طبقاتی است.

ما برآنیم که وظائف ما نسبت به لنین و راه او با بسرپا داشت مراسم در باره سدهٔ میلاد او خاتمه نمی پذیرد، بلکه نبرد ما در راه اجراء وظائف انقلابی با نیرو و روانی تازه و امیدی بر مایه تر ادامه می یابد.

مبارزه بر ضد سازمان امنیت . . .

دنبله از صفحه ۱

بزرگترین ثروت ملی ما به امپریالیستها، نقش بیطرفی سنتی ایران و پیوستن به بلوك بندی تجاوزکارانه امپریالیستی و دهها خیانت دیگری که بعدها بمصالح ملی ایران شد و هنوزهم ادامه دارد، ممکن نبود. بهمین جهت بود که علاوه بر ترور و اختناق عمومی در آستانه هر خیانتی گروهی از میهن پرستان در پای امپریالیستها قربانی میشدند و میشوند.

ولی برای تحکیم وادامه تسلط دیکتاتوری حکومت نظامی سابق کافی نبود. میباید یك رژیم پلیسی در ایران بر قرار گردد که «نه فقط به جیبی و شکنجه و نابودی مبارزان بپردازد، بلکه با تفتیش عقاید و سلب هر گونه آزادی کوچکترین امکان اعتراض، مخالفت و مقاومت را از مردم بگیرد. «سازمان امنیت و اطلاعات کشور» بدین منظور تشکیل شد و مظهر این رژیم پلیسی گردید.

اینکه مردم ایران علیرغم وجود این سازمان جهنمی و فعالیت جنایتکارانه آن همچنان مبارزه میکنند و نا رضایتی و اعتراض و مخالفت خود را نسبت به رژیم ضد ملی و ضدمردم کراتیك به اشکال مختلف نشان میدهند و حتی وی را بعقب نشینی مجبور میسازند، نشانه روح مقاوم و پیکار جویانه آنها و فسادو پوسیدگی رژیم است. ولی در این واقعیت تردیدی نیست که مردم ایران در هر گام از زندگی عادی روزانه گرفته تا فعالیت صنفی و سیاسی سایه شوم سازمان امنیت را برروی خود احساس میکنند. نتیجه اینکه مبارزه برای افشاء ماهیت سازمان امنیت بعنوان مظهر رژیم پلیسی در ایران، مبارزه برای انحلال آن بعنوان سازمانی که آشکارا وجودش با قانون اساسی، منشور ملل متحد و اعلامیه حقوق بشر مباینت دارد، یك وظیفه مبرم است.

در این زمینه توجه بدو نکته حائز اهمیت است: نخست آنکه مبارزه بر ضد سازمان امنیت فقط جنبه تاکتیکی ندارد وتنها در چارچوب مبارزه در راه آزادی های دمکراتیك نیست. اگر درست است که در شرایط مشخص کنونی مبارزه در راه دمکراسی پیوند ناگسستنی با مبارزه بر ضد امپریالیسم دارد، آنوقت برای آنکه نه فقط بتوان مبارزه در راه دموکراسی بلکه مبارزه بر ضد امپریالیسم را نیز از پیش برد، باید تمام نیرو ها را بر ضد سازمان امنیت بعنوان مانع اصلی در برابر گسترش این مبارزه تجهیز و متشکل کرد و بحرکت در آورد.

دیگر اینکه اگر زمانی بود که سازمان امنیت فقط مبارزان توده‌ای را دنبال میکرد و بزندان میانداخت و شکنجه میداد و میکشت و با اینکه هنوز هم آتش اصلی آن برروی مبارزان حزب توده ایران متمرکز است ولی دیگر به این اکتفا نمیکند. اینك همه میهن پرستان و همه نیرو های مخالف رژیم به اشکال مختلف تحت فشار و تعقیب سازمان امنیت قرار دارند. بهمین جهت یك زمینه کاملا واقعی برای اتحاد همه نیرو های ملی و دمکراتیك، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و ایدئولوژیك، برای پیکار بر ضد امپریالیسم وارتجاع بطور اعم و بر ضد سازمان امنیت بعنوان یکی از مظاهر عمده رژیم ضد ملی و ضد دمو کراتیك ایران بطور اخص بوجود آمده است. حزب ما این واقعیت را بدرستی دیده و درك کرده و بر اساس آن سیاست اتحاد خود را قرار داده که با اصولیت و پیگیری در راه تحقق آن مبارزه میکند. موقع آن فرا رسیده است که سایر نیروهای ملی و دمکراتیك نیز با درك عمیق این واقعیت به ندای اتحاد حزب توده ایران برای انجام وظیفه مبرم مبارزه بر ضد سازمان امنیت پاسخ مثبت گویند.

ا. انور

بما مینویسند

یادداشتی خبری که درمورد اعتصاب کارگران نفت جنوب، در شمارهٔ گذشته ماعلاقهٔ مردم انتظار دادیم، اطلاعات دقیق تری بما رسیده است که ذیلا بنظر خوانندگان میرسانیم.

* * *

در اسفند ماه گذشته طرح جدید طبقه بندی مشاغل کارگران نفت جنوب، که بدون مشورت و مذاکره با کارگران و بنحو غیر عادلانه از طرف رؤسای شرکت نفت تهیه شده بود باطلاع کارگران رسانده شد. در این طرح ارزش کارگران از نظر طبقه بندی نادیده گرفته شده بودو درنتیجه کارگران از گرفتن اضافه دستمزد محروم میشدند، با

دنباله در صفحه ۷

درود به دانشجویان زندانی که با رژیم استبدادی شاه مبارزه میکنند

خیابانی و قیام آذربایجان

« ما منکر و مدعیم که آزادی را در این مملکت بدست اجانب بر هم زده اند ، ایران را ایرانی باید آزاد کند » خیابانی

. . . و پنجاه سال پیش ، میهن پرستان خلق آذربایجان برای رهائی ایران از بند استعمار و آزادی ایرانیان از چنگ استبداد بپا خاستند .

خیزش آذربایجان از هیچانی آنی و خشمی گذرا ناشی نمیشد . دوران قدرت سالها بطول انجامیده بود ، از انجمنهای ایالتی و ولایتی خبری نبود ، مشروطیت تعطیل شده بود ، انگلیس و آلمان و ترکیه عثمانی به دسایس و تحریکات خود ادامه میدادند . خدمه والی و شرارت قراق ، قحطی نان و گرانی ارزاق مردم تبریز را به ستوه آورده بود ، چهار سال پیش از قیام ، کمیته محلی تبریز فرقه دمکرات آذربایجان مردم ایران را به هوشیاری دعوت کرده بود ، «همان ، ای دموکراسی جوان ایران بیدار باش که عنقریب داخل میدان یك مبارزه جانی خواهی شد» .

روی کار آمدن کابینه وثوق الدوله و امضاء قرار داد ۱۹۱۹ آخرین رشته امید مردم را از مرکز گسست . پیروزی انقلاب روس امید دیگری در مردم پدید آورده بود. خیابانی میگفت ، « ایرانیان هم بسامت مجاورت با روسیه آزاد شده نمی توانستند از انقلاب یك همچو مملکت بزرگ همسایه متاثر نشوند . کمکم قلوب افسرده را انبساطی حاصل شد . مهر خاموشی از لب ها برداشته میشود » .

سر انجام مرکز رهبری قیام ، «هیئت مدیرهٔ اجتماعات» در ۱۹ حمل (فروردین) ۱۲۹۹ تصمیم نهائی و اراده استوار مردم آذربایجان را برای «برقرار داشتن آسایش عمومی، از قوه به فعل آوردن رژیم مشروطیت» اعلام داشت . مردم تبریز به قیام برخاستند .

شیخ محمد خیابانی مغز اندیشنده و مرد روشنگر و راهبر این قیام بود . او در صدر مشروطیت در راه آرمانهای انقلابی مردم ایران سلاح بدست مبارزه کرده بود . بر گزیدهٔ بی باك مردم تبریز در مجلس دوم بود . سخنوری آتشین زبان ، قلمزنی سنجیده فکر بود . با مبارزات انقلابی خلقهای روسیه تزاری از نزدیك آشنا شده بود ، بر اوضاع اجتماعی و احوال سیاسی دوران خود آگاهی در خورد توجه داشت . او میهن پرستی از جان گذشت و دموکراتی انقلابی بود .

خیابانی میگفت ، «ما میخواهیم فرزندان قرن خودمان باشیم» زیرا «هر زمانی تقاضائی دارد ... اجداد ما، عدل نوشیروانی را مافوق همه نوع تمنیات خود میگرفتند و برای آنان عدالت آن پادشاه ساسانی برتر و بالاتر از هر تصور بود. اما، امروز ما ، فرزندان آنان، یك عدالت نوشیروانی را عین استبداد میخوانیم و نیتوانیم دقیقه‌ای در تحت اداره آن زندگی کرده خود را خوشبخت و آسوده بندانیم » . خیابانی مردم را برای شرکت فعال و مؤثر در مبارزه دعوت میکرد ، «هر گاه جماعتی بخواهد از تحت شرائط نا مساعد و ناگوار . . . خویشتن را خلاصی داده یك زندگانی مرتب تر و با شرافت تری نائل گردد ، باید از پرده مجهولیت در آید ، مسئولیت را بعهده خویش بگیرد ، در صحنه حادثات مانند یك سیمای معروف و یك بازیگر مسئول تجلی نماید » .

خیابانی شیفتهٔ آزادی و هوادار حکومت واقعی مردم بود ، « ما مجلسی میخواهیم که از صمیم قلب ملت نشأت کرده با آلام و احتیاجات دموکراسی آشنا باشد ، که یك دام خیانت و تزویر که در دارالخلافه تهران گسترانیده شده » . او میگفت ، « ما میخواهیم در ایران یك نوع حکومت دموکراتیك تأسیس کنیم که علاً حاکمیت ملت را حائز یك استقلال تام و نائل بیك آزادی کامل حرکت گرداند... اختیاراتی که جماعت مبتدعه ، اقتدارانی که میبخشند و مؤسساتی که او بر پا میکند ، حکومتی که او میآفریند ، بالاخره بر ضد او ، بر ضد منافع داتمی او » بکار نخورد .

خیابانی در مبارزات خود در بند منافع محدود محلی و یا اسیر تنگ نظریهای تاسیونالیستی نبود و بر خلاف ادعاهای دشمنان آزادی و استقلال ایران ، اندیشه آزادی و استقلال و تمامیت ایرانرا در سر داشت . او بصراحت میگفت ، « ما از شهر تبریز شروع کرده‌ایم ، بتدریج تمامیت ایرانرا نائل آزادی خواهیم ساخت » ، « قیام تبریز یك علاقه جوهری با تمام ایران دارد » و « در مسلك ما ، ایران مال ایرانیان است ، یعنی ایران دموکراتیك مال دموکراسی ایران است » .

هنگامیکه تبریز بپا خاست ، ۱۴ سال از انقلاب مشروطیت گذشته بود ، ولی انقلاب در اثر دسائس دشمنان داخلی و خارجی به هدفهای اصلی خود نرسیده بود . خیابانی در اینمورد میگفت ، « چهارده سال قبل از این ایرانیان قیام نمودند ، خواستند عناصر طفیلی و نگوداها و بورژوا ها ، همان عوامل هرج و مرج و ظلم و استبداد را از میان خودشان اخراج کنند و یك قانون اساسی برای تنظیم حیات اجتماعی خودشان تنظیم و وضع کنند ، ولی « هر گز ، آن » برای این بود که دند » . ولی « هر گز ، آن » برای این بود که قشونی که با خون دل انقلاب پرورده شده بود اسلحه خودشرا بر ضد آزادیخواهان و قانون اساسی بکار برد ! آن نه برای این بود که تشکیلات و اصلاحاتی که آزادیخواهان با دادن هزارها قربانیان گرانبها به تأسیس و اعمال آنها موفقت یافته بودند ، علیه آزادی و علیه مشروطیت استعمال شوند » . خیابانی معتقد بود که « امر محافظت و صیانت حقوق ملی و قوانین اساسی را نیتوان به یك پادشاه و یك ولیعهد مستبد سپرد » ، « نگهبانان واقعی و پاسبانان مادرزاد قانون اساسی ها . آنی هستند که آنرا وضع کرده‌اند » ، « باید اراده ملت بالای همه چیز باشد ، در صورت لزوم بتواند شاه را خلع و عزل کند اگر خواست و صلاحدید جمهوریت اعلام نماید، هر هیئت دولتی را که نپسندید سرنگون سازد، برهمه چیز حاکم باشد » .

قیام تبریز سیاست انقلاب را به سر انجام خود برساند « آنچه را که در ظرف ۱۴ سال انقلاب در بوته اجمال و اهمال مطلق نگهداشته اند ، این قیام انجام خواهد داد» ، « دست آهنین ملت است که بعد از این در بالای سر دولت خواهد بود ! » .

متأسفانه قیام تبریز نیز مانند قیامهای دیگر ایران در آن زمان به علل مختلف ، از جمله در اثر اشتباهات و نا رسائی های خود به پیروزی نهائی نیانجامید . باینجهت اکنون نیز که ۵۰ سال از قیام تبریز و ٦٤ سال از انقلاب مشروطیت میگذرد ، همان مسائلی که آزمون در برابر مردم ایران قرار داشت ، با حدت و ابرام بیشتری برای مردم ایران مطرح

دنباله درصفحه ٦

لنینیستهای ضد لنین

جشن صدمین سالروز تولد لنین بزرگ با شکوه تمام و چنانکه شایسته او بود در سراسر جهان بر گزار شد . زحمتکشان جهان و همه نیروهای صلحدوست، دمکرات وترقیخواه خاطرهٔ این مرد بزرگ تاریخ را با شور و شوق فراوان تجلیل کردند . و نه برای انجام تشریفات ، بلکه بویژه برای آنکه از این فرصت برای درك هرچه وسیع تر و عمیق تر آموزش کبیر او که راه نجات بشریت را از چنگال فقر و جهل، استثمار و جنگ نشان داده است استفاده کنند . دوستان با نیرو و امیدی بیشتر و عزیم ارادهای راسخ تر پیکار آزادیبخش خود را تشدید میکنند و دشمنان در برابر عظمت و قدرت او و اندیشه‌اش بخود میلرزند.

لنین بعنوان یك شخصیت تاریخی-جهانی مورد تجلیل همه انسانها ، صرفنظر از تفاوت در عقاید سیاسی و اجتماعی، قرار گرفت .

در این میان وضع مائوئیستها نیز جالب و بویژه آموزنده بود . زمانی که گروه مائوئیسم دون تدارك انشعاب در جنبش جهانی کمونیستی را میدید و مائوئیسم را در برابر لنینیسم قرار میداد زیر شعار «زنده باد لنینیسم» بمیدان آمد . ولی زندگی که تابع هوسها و تمایلات و آرزو های هیچکس نیست خیلی زود این ماسکوار دروغ و ماهیت شوینیستی و هژمونیستی مائوئیسم را بعنوان یك مشی ضد مارکسیستی-لنینیستی آشکار ساخت . و باید تصدیق کرد که گروه مائوئیسم دون خود به به این افشاگری کمك فراوان کرده است ، از جمله در جریان بر گزاری صدمین سالروز تولد لنین در چین به این مناسبت فقط یك مقاله در سه روزنامه انتشار یافت . و این مقالات چکیده تمام دشنامها و اتهاماتی بود که طی دوران تسلط مائوئیسم در چین تئار حزب کمونیست اتحاد شوروی ، حزب لنین و میهن لنین شده است . چنین بود « تجلیل » گروه مائوئیسم دون از لنین !

وضع مائوئیستهای ایرانی از این بهتر نبود. این هواداران « استقلال اندیشه وعمل» نیز بنده وار فرمان بت بزرگ را به شرایط ایران « انطباق » دادند ، و سالروز تولدلنین را به تشدید ناسزا گوئی و اتهام زنی به حزب توده ایران و اتحاد شوروی مبدل ساختند .

ولی جالب تر از همه برخورد مائوئیست های رنگا رنگ ایرانی به سالروز تولد لنین در سازمانهای دانشجوئی بود . برخی از دانشجویان میهن پرست، با عقاید گوناگون سیاسی و اجتماعی- پیشنهاد کردند که توسط سازمانهای دانشجوئی برای لنین، دوست بزرگ مردم ایران ، که بما لغو قرار داد ها و امتیازات اسارت آور روسیه تزاری با ایران و مبارزه با تفته های استعمار گرانه امپریالیسم انگلستان، از تبدیل شدن ایران به مستعمره کامل جلوگیری کرد و استقلال ایران را نجات داده راسمی بر گزار گردد . مائوئیستها در وضع دشواری قرار گرفتند . عده‌ای از آنها با لطائف الحیل این پیشنهاد را مسکوت گذاردند. برخی نا گهان « کشف » کردند که کنفدراسیون سازمانی است صنفی . و گروهی صاف و ساده گفتند که لنین کمونیست است واین جشن مال کمونیستهاست و بیامر بولشویست . این آقایان که میخواستند و میخواهند کنفدراسیون را بیك حزب سیاسی آنهم حزب مائوئیستی تبدیل کنند و بدترین دشنامهارا در جلسات دانشجوئی به حزب لنین داده‌اند و در همه حال مدعی بوده‌اند که «لنینیست اصیل» فقط آنها هستند ، آنجا که پای تجلیل از لنین بمیان آمد نا گهان یاد صنفی بودن سازمانهای دانشجوئی افتادند . این کمونیستهای دو آتشه با بر گزاری جشن بخاطر لنین مخالفت کردند به این عنوان که لنین کمونیست است. آری این «لنینیستها» جوهر ضد لنینی خود را آشکارا نشان دادند.

مائوئیستها که خودرا پیرو «مارکسیسم-لنینیسم-اندیشه مائوئیسم دون» میدانند وایشهمه جسارت دراسناد گوئی واتهام زنی درو ه گوئی از خود نشان میدهند ، خویست که پوشش مارکسیسم-لنینیسم را بردار نمودر سسلماً مائوئیسم را ایدئولوژی خود اعلام کنند . و بدین ترتیب لااقل یکبار از عقاید خود جسارت و صداقت واقعی نشان دهند . زیرا نمیتوان با لنین مخالف بود و خود را لنینیست دانست . چنانکه نشد .

م . نوری

درود به مجاهدان کرد که در زندان ارتجاع نشسته اند

زندان و زندانیان سیاسی . . .

بقیه از صفحه ۱

خسرو روزبه بعنوان روز زندانیان سیاسی . در راه هم آهنگ ساختن مبارزه برای نجات بنیان استبداد گام بردارند .

زندانیان سیاسی مبارزان دلیر راه استقلال و آزادی کشور

امپریالیسم و ارتجاع برای بقای خود به سر کوب آزادیهای اساسی مردم بازمیزدند بهمین جهت با پیروزی کودتای ارتجاعی و امپریالیستی ۲۸ مرداد ، آزادیهای نسبی که مردم در نتیجه مبارزه بدست آورده بودند یکباره سر کوب شد و فضای مختنق و نفس گیری کشور را در بر گرفت که هنوز هم ادامه دارد . نخستین آماج یورش ، حزب ما بود و هنوز هم همچنان حزب ماست . شدید ترین فشار بر رزمندگان حزب وارد آمد و هنوز هم وضع پنهان قرار است . امابا آنکه حزب مصادف اولین و شدیدترین فشار ها بود، ولی سایر نیرو های ملی و میهن پرست نیز از عواقب ناشی از سلطه رژیم ترور بر کنار نماندند و هم اکنون در زندانهای ایران ، تودهای ها ، مصدقی ها ، روحانیون مترقی و بازاریان میهن پرست در کنار هم در زندان نشسته‌اند و متحداً علیه فشار ها و تضییقات مبارزه میکنند .

قدیمترین زندانیان سیاسی به حزب ما تعلق دارند، صفر قهرمانی از سال ۱۳۲۶ زندانی است او با پایداری اعجاب انگیز در زندان از جوانی به پیری رسیده است . حمید فام نریمان و بدرالدین مدنی ۱٦ سال است که در زندان بسر میبرند . شش تن از مقاوم ترین افسران عضو سازمان افسری حزب توده ایران ، رفقا سروان تقی کی منش ، سروان عباس مجری ، ستوان یکم علی عوثی ، ستوان دوم رضا شلتوکی ، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر وستوان دوم ابوتراب باقرزاده از سال ۱۳۳۳ باز داشت و به حبس ابد محکومیت یافته‌اند ، روح پیکار جو و مقاومت شایان تحسین این افسران میهن دوست ، سر مشق و الهام بخش همه مبارزانی بوده است که در سالهای بعد به زندان افتاده‌اند . دکتر بنی طرفه و مجید امین مؤید از سال ۱۳۳۷ توقیف شده‌اند و در زندان شماره ٤ قصر زندانی اند . در شمار زندانیان قدیمی باید از رفقا محمد علی پیدا ، حمید کریمی ، عزیز یوسفی ، غنی مؤذیان و جلیل گورانی نام برد.

رفقا علی خاوری و پرویز حکمت جو در سال ۱۳٤۵ دستگیر و محکوم به حبس ابد شدند . تقی معتمدی به ۷ سال زندان و صابر محمد زاده و آصف رزم دیده هر یك به ترتیب به ۷ و ٦ سال زندان محکومیت یافته‌اند. دفاع درخشان این رفقا از ایده‌های میهن پرستانه و بشر دوستانه حزب خود ، و مقاومت آنان علی رغم تمام فشار ها ، نمونهٔ دیگری از پایداری و قهرمانی رزمندگان حزب ما را عرضه نموده است .

در کنار توده‌ایها ، عده‌ای از گروه ۱٤ نفری یکجواه ، گروه دکتر پیمان ، گروه ۵۵ نفری بجنوردی ، گروه ۲۱ نفری دکتر دامغانی ، گروه منصف و گروه جزنی هنوز در زندان‌اند. بر این جمع باید روحانیون مترقی طرفدار آیت آله خمینی ، عده‌ای از کسبه و بازاریان میهن پرست و جمعی از دانشجویان وابسته به سازمانهای مختلف سیاسی را که در نظامات و اغتشاشات چند ساله اخیر دانشگاههای ایران دستگیر شده‌اند افزود. در میان زندانیان سالهای اخیر ، زندانیان حوادث کردستان جای مهمی دارند . در جریان تظاهرات اخیر تهران نیز (اسفند ۱۳٤۸) عده‌ای از دانشجویان بازداشت هنوز در زندانها هستند و بر خلاف دعوی دولت از آزادی آنان خبری نیست .

بهانه های بازداشت

افراد و گروههای مختلف زندانیان سیاسی ظاهراً با اتهامات گوناگونی بازداشت میشوند. داشتن مرام اشتراکی ، مقاومت مسلحانه ، توطئه علیه شخص اول مملکت ، داشتن عقاید سوسیالیستی در زیر لوای مذهب ، تماس با عناصر ، پخش اعلامیه آیت آله خمینی و غیره. ولی در واقع امر جرم واحد بازداشت شدگان سیاسی ، مخالفت با رژیم ضد ملی کنونی است که در هر لباس و با هر عنوانی که بروز کند از نظر هیئت حاکمه گناهی است نابخشودنی. «داوید کالتر» حقوقدان امریکائی که در ماه مه سال ۱۹٦۸ از ایران دیدن نمود و با عده‌ای در مورد چگونگی وضع سیاسی ایران مصاحبه نمود در گزارش خود نوشت : «تمام مصاحبه دهندگان گفتند که دولت ایران هیچگونه انتقادی را به شاه و رژیم تحمل نمیکند. بر گزاری مجامع عمومی و نشر و توزیع روزنامه ها و کتب انتقادی بکلی ممنوع است و بعبارت دیگر هیچگونه مخالفت یا انتقاد دولتی در ایران وجود ندارد.»

شکنجه برای گرفتن اقرار از متهم

متهمین سیاسی بلافاصله پس از بازداشت و قبل از آنکه جرمشان معلوم باشد در دوزخ شکنجه ، عذاب می بینند تا به جرایمی که رژیم مایل است به آنان نسبت دهد ، اعتراف کنند . شکنجه گاههای رسمی چون زندان باغ مهران و زندان اوین که با مدرنترین وسائل شکنجه و عذاب مجهزند از زندانیان سیاسی پذیرائی میکنند . شکنجه گاههای غیر رسمی دیگری چون زندان باغشاه ، بادگان عشرت آباد ، زندان سلطنت آباد ، تپ دو زرهی نیز در صورت لزوم مورد استفاده قرار میگیرند . دژخیمان ساعدلی چون امجدی ، زیائی ، مبصر ، سیاحتگر ، زمانی ، سالاری و عده‌ای دیگر ساواکست که روش های خشن و وحشیانه « گرفتن اقرار » را از همکاران آمریکائی خود آموخته‌اند .

زندانیان سیاسی بند ۳ و ٤ زندان قصر در نامه‌ای که دو سال پیش بخارج فرستاده‌اند نوشته‌اند : «خشونتها و شکنجه‌هائی که سازمان امنیت در مراحل باز جوئی و تحقیق از خود نشان داده‌است روی شکنجه گاههای قرون وسطایی اروپائیان کلیسا و دژخیمان انگیزیسیون و تفتیش عقاید را سپید کرده است .»

شکنجه متهمان سیاسی برای گرفتن اقرار با متد های گوناگون انجام میگیرد . بستن کف ها و دستها با طناب ، بستن متهم بدوخت ، مضروب ساختن وی تا حد بیهوشی و نقص عضو ، بکار بردن شلاق سیمی و شرجه شرجه کردن بدن متهم ، دست بند قپانی ، گرفتن خواب از چشم متهم طی مدت طولانی دواندن سوزن زیر ناخن ها ، سوزاندن لب پیشانی ، پشت دست ، پلك چشم با آتش سیگار آویزان کردن متهم از سقف ، نشاندن وی بر روی اجاق داغ ، فشار بر استخوانها بوسیله میله های آهنی ، انداختن اشعهٔ مخصوص بچشم زندانی که تحت تأثیر آن سوزش و درد شدید تمام بدن را فرا میگیرد ، گذاردن متهم در اطاقکی که از اطراف به بدن فشار وارد میآورد ، فرو کردن سیم برق در گوشها و قسمتهای دیگر بدن ، سرازیر آویختن متهم طی مدت طولانی توأم با شلاق . شکنجه دیگری که معمول است ندادن آب به متهم و گذاردن وی در قفس آهنی است . این قفس را در آفتاب میگذارند تا آب بدن متهم تبخیر شود و از پای در آید . تقریباً تمام ناظران بین المللی که در سالهای اخیر برای نظارت بر دادگاه متهمان سیاسی به ایران رفته‌اند اعتراف کرده‌اند که متهمین به شدید ترین وجهی شکنجه شده‌اند . در اینجا فقط به ذکر چند مورد اکتفا میکنیم : کاوالیری حقوقدان ایتالیائی پس از مراجعت از ایران نوشت که برخی از متهمین مدت ۵۰ ساعت متوالی زیر شکنجه بوده‌اند . بعضی از آنها بمدت ۳۵ روز در سلولهای انفرادی بوده‌اند، با میله‌های آهن استخوانهای آنها را فشار میدادند و یا آنها را روی اجاق داغ می نشاندند .

«هلدمن» وکیل مدافع از جمهوری فدرال آلمان و نمایندهٔ سازمان عفو بین المللی که سال ۱۹٦۵ به ایران رفت نوشت : « بمن ثابت شده است که متهمین هنگام بازجوئی به شدت شکنجه شده‌اند . » «جان کارولانوتی» حقوقدان ایتالیائی اظهار داشت : «در مسافرت به ایران مدارکی بدست آوردم که از شکنجه های ساواك چه در بازجوئی و چه در هنگام محاکمات دربارهٔ عده‌ای از زندانیان سیاسی سخن میگویند . »

شکنجه گران برای آنکه بهر قیمت از متهم اقرار بگیرند از هیچگونه وحشیگری و خشونتی ابا ندارند . بجاست که توصیف چهرهٔ دژخیم را از زبان خود دژخیم بشنویم. سیاحتگر که پاداش شقاوت های خود در شکنجه گاهها، تا کنون چندین بار احکام ترفیع او را اعلیحضرت « توشیح » نموده و

صابر محمد زاده

کارگر چاپخانه حزب توده ایران

آصف رزم دیده

کارگر چاپخانه حزب توده ایران

اکنون سرهنگ سیاحتگر است ، هنگام شکنجه پرویز عدالت منش که جزو گروه مهندس بازرگان بازداشت شده بود خود را چنین معرفی میکند : «مرا نمی شناسی من کسی هستم که وارطان را (منظور رفیق شهید وارطان سالاخیان عضو حزب ماست) که بازویش به اندازه کمر تو بود زیر شکنجه کشتم ، مخش را با مته سوراخ کردم . تا حالا ده نفر را زیر شکنجه کشته‌ام ، مواظب باش بازدهنی‌اش نباشی . من حیوانی هستم که در هیچ جنگلی نظیرم پیدا نمیشود . من هیچ رحم ومروت ندارم . » این حیواناتی که واقعاً هم نظیرشان در هیچ جنگلی پیدا نمیشود و بوئی از وجدان و انسان‌دوستی نبرده‌اند سالهاست که سر نوشت مردم آزاده میهن ما را بازی گرفته‌اند ، هزاران خانواده را متلاشی نموده‌اند ، هزاران جوانی را بر باد داده‌اند و صد ها نفر را یا کشته و یا برای مادام العمر علیل و فلج ساخته‌اند اما روح پلیدشان در برخورد با روحیه های والای قهرمانی بیش از پیش احساس حقارت و پلیدی

درود به افسران قهرمان عضو حزب توده ایران : سروان تقی کی منش ، سروان عباس حجری ، ستوان یکم علی عموئی ، ستوان دوم رضا شلتوکی ، سروان محمد اسمعیل ذوالقدر و ستوان دوم ابوتراب باقرزاده

رفیق غنی بلوریان

رفیق عزیز یوسفی

رفقا بدرالدین مدنی ، صفر قهرمانی ، حمید نام نربیان ، مجید علی پیدا ، پرویز حکمت جو و عزیز یوسفی در زندان برازجان

رفقا غنی خاوری و پرویز حکمت جو در دادگاه نظامی

خود ادعانامه را علیه متهمین تنظیم نموده‌اند . » بر این اساس ، در این دادگاهها ، قاضی و دادستان و وکیل مدافع یکی است و تابع مرکز معین هستند . دادگاه معمولا در محل زندان تشکیل میشود . جریان دادگاه سری است و اگر هم ظاهرا علنی باشد ، صندلی های محدود تماشاچیان را مامورین مخفی سازمان امنیت و احیانا چند نفری از خانواده متهمین پر میکنند . در برخی از موارد اصولا دادگاه تشکیل نمیشود ، یعنی بدون آنکه اعضاء دادگاه بنشینند و رسمیت جلسه اعلام شود ، دادستان ، وکیل و یا وکلای مدافع صحبت کنند و به متهم اجازه دفاع داده شود در نامه چند دقیقه حکم محکومیت متهم ، یا متهمین قرائت میشود . معلا که بدوی رفقای ما آصف رزم‌دیده و سایر مجددزاده در چنین دادگاهی انجام شد . حتی در مواردی هم که دادگاه تشکیل شود متهم از حق آزادانه دفاع برخوردار نیست . احکام دادگاهها از قبل معلوم است و دفاع متهمین نه تنها در برائت آنان تاثیری ندارد ، بلکه مقاومت و افشاگری آنان در مواردی مجازاتها را سنگین تر هم کرده است ، چنانکه احکام دادگاه بدوی آصف و سایر رفقای کارگر ما به علت دفاع از حزب خود و افشاگری از رژیم در دادگاه تجدید نظر تشدید شد .

شرایط عمومی زندان

در تمام زندانهای کشور یک اصل کلی حکمفرماست و آن اعمال انواع فشار های روحی و جسمی برای تضعیف روحیه و شکستن مقاومت زندانیان سیاسی از یکسو و نابودی جسمی آنان از سوی دیگر است . در یکی از چشن‌های زندان قصر ، دادستان کل ارتش صریحا اعتراف میکند که ، « آن دسته از زندانیان که جوان هستند و فشرتی دارند آنها را آنقدر در زندان نگه میداریم تا پیر و علیل و فرسوده شوند و سپس از زندان خارج شوند . دسته دیگری که نسبتا پیر و سالخورده هستند آنقدر خواهند ماند که جنازه‌آنان از زندان خارج گردد . » اعمال فشار به زندانیان جهت توبه و استغفار و اعلام وفاداری به شاه از اقداماتی است که برای شکستن پایداری زندانیان بسیار متداول است . «عدم وابستگی به حزب توده ایران و اعلام تنفر و انزجار نسبت به آن» نخستین شرط برای آزادی زندانی ، صرفنظر از تعلق او بهر گروه و سازمان سیاسی است . وجود زندان واحد برای زندانیان سیاسی و دزدان و آدمکشان و چاقو کشان و ایجاد نفاق بین آنان از جمله وسایلی است که سازمان امنیت برای فشار گذاردن زندانیان سیاسی بکار میبرد . از اقدامات دیگر دستگاه ، براه انداختن جنگ اعصاب برای صبانی کردن زندانیان و سر انجام جستجوی شکار از بین سر سخت ترین و مقاوم ترین آنان برای تبعید به نقاط بد آب و هوا و انتقال به سلولهای انفرادی است . در غالب زندانها ، زندانیان ازداشتن کتاب و روزنامه محروم اند و مأموران زندان آنرا بمثابه ، مدرک جرمی تازه تلقی میکنند .

مسکن زندانیان

در اکثر زندانهای کشورو نمونه مشخص آن در زندان قزل قلعه جا برای زندانیان انفرادی بقدری کم است که زندانی نمیتواند براحتی دراز بکشد.طاق سلولها بحدی کوتاه است که زندانی نمیتواند بر روی پای خود بایستد.در بند های سوم و چهارم زندان قصر که خاص زندانیان سیاسی است ، بهر زندانی محلی به وسعت ۱٫۵ متر در ۷۰ سانتیمتر میرسد . سلولهای انفرادی رنگ نور و هوا نمی بینند ، مرطوب و نمورند و زندانیان غالبا حتی برای ده دقیقه هواخوری ناگزیر دست به اعتصاب میزنند . در زندان قزل قلعه تا چندی پیش زندانیان بر روی متنی کاه میخوابیدند ولی بر اثر اعتراضات بی در پی سر انجام یک تشک کاهی و یک پتو به زندانیان داده شد .

غذای زندانیان

بدتر ازغذای سرباز خانه‌ها غذای زندان است . زندانیان مواد اولیه ناکافی و بی‌رمقی را آلوده بهزارشی کثیف خارجی دردیگی میریزند و بنام غذا بخورد زندانیان میدهند ؛ در برخی از زندانها، از جمله زندانهای تهران و برازجان ، به زندانیان جیرهٔ روزانه‌ای بمبلغ ۱۲ ریال وجه نقد و دو قرص نان بیات و مانده می دهند . با توجه باینکه بهای یک سیر پنیر ۱۰ ریال است، کیفیت غذائی که زندانی باید در گوشهٔ زندان برای خود تهیه کند معلوم میشود. در بعضی از زندانها مواد اولیه را خودزندان تهیه میکند و به زندانی میدهد. اما کیفیت این مواد فوق العاده بد است مثلا بجای گوشت‌مختی استخوانیه زندانی میدهند. مأموران زندان اکثراً حتی غذائی را که خانواده ها هفته‌ای یکبار برای بستگان خود به زندان‌میآورندترش میکنند و دور میریزند و به زندانی نمی دهند .

بهداشت زندان

عواقب شکنجه های حیوانی ، وضع غذا ، تنگی جا ، نبودن نور و هوای کافی ، اکثرت زندانیان را بیمار نموده است ، با

دنباله در صفحه ۷

درود به رفقای زندانی ما : خاوری ، حکمت‌جو ، صابر ، آصف ، بلوریان ، یوسفی ، صفر قهرمانی

پرچم پیروزمند لنین در اهتزاز است

دنباله از صفحه ۱

روز تاریخی جلسه مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست، شورایعالی اتحاد شوروی وشورای عالی جمهوری فدراتیو شوروی سوسیالیستی روسیه در مسکو تشکیل شد.

انتظار میلیونها نفر از مردم سراسر جهان بسوی اتحاد شوروی ، زادگاه لنینیسم و جلوه گاه زندهٔ اندیشه و عمل لنین دوخته بود .

۶۰۰۰ تن از نمایندگان طبقه کارگر، دهقانان کلخوزی و روشنفکران شوروی در این جلسه حضور داشتند .

رهبران کشورهای سوسیالیستی ، هیئت های نمایندگی احزاب کمونیست و کارگری کشور های سرمایه داری و کشور های در حال رشد و نمایندگان جنبش های آزادی بخش ملی آسیا، افریقا و امریکای لاتین نیز در این جنبش همگانی جهانی شرکت کردند.

رفیق نیکلای پادگورنی صدر هیئت رئیسه شورایعالی اتحاد شوروی و عضو پولیت بیورو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از افتتاح جلسه رشته سخن را به رفیق لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی سپرد .

رفیق برژنف ضمن سخنرانی عمیق و بسیار پر مضمونی تحت عنوان « اندیشه‌های لنین زنده و پیروز است» عظمت لنین را بعنوان متفکر و انقلابی کبیر تشریح کرد و نیروی سترگ آموزش لنین و پیروزیهای تاریخی مردم شوروی و جنبش انقلابی جهان را که با پرچم ظفر نمون لنین بدست آمده است یاد آور شد و وظائف مبرم مرحله کنونی مبارزه علیه امپریالیسم و در راه صلح، پیشرفت اجتماعی ، دموکراسی و سوسیالیسم را خاطر نشان ساخت .

لئونید برژنف ضمن اشاره به دستاورد های مردم شوروی در آستان صدمین سالروز تولد لنین گفت :

«وقتی براه طی شده میگریم میتوانیم بگوئیم که مردم ما و حزب ما حق دارند بخود بالند. مردم‌شوروی دشواریها وناملایمات فراوان از سر گذرانده و بارمسئولیت‌تاریخی عظیمی بدوش کشیده اند ، ولی با شهامت و ثبات قدم از عهده تمام آزمایشها بر آمده و رسالت عالیه خودرا باشایستگی انجام داده‌اند. مردم ما همیشه و همه جا، درلحظات آزمایش های سخت زندگی و نبردهای شدید وبهنگام پیروزیهای شادی آور و ناکامیهای تلخ همیشه به پرچم لنین ، به حزب خود و آرمان انقلاب وفادار مانده اند . رفقا ما را دست آورد هائی هست که در این روز بزرگ در برابر خاطرهٔ لنین عرضه داریم . سوسیالیسم برای نخستین بار در تاریخ تمدن جهانی بطور کامل وقطعی پیروز شد، جامعه سوسیالیستی رشد یافته ایجاد گردیده و شرایط لازم برای ساختمان موفقیت آمیز کمونیسم فراهم آمده است » .

سپس سخنران گفت : « از هنگام مرگ لنین تاکنون زندگی راهی دراز پیموده ، دگرگونی‌های فراوان صورت گرفته و پدیده ها و مسائل جدید بسیاری بوجود آمده است که در آنزمان حتی تصور آن دشوار بود . ولی قوانینی که لنین در باره تکامل سوسیالیسم کشف کرده است امروز نیز کلید و حل این مسائل را بدست میدهد . بهمین جهت است که ما میگوئیم لنین شریک زندگیهای ما و آموزگار مطمئن وخردمند ما است » .

رفیق برژنف افزود ، «لنین همواره طلب میکرد که زحمتکشان را باید با روح انترناسیونالیسم پرورش داد و علیه گرایشهای شوینیستی عظمت طلبانه و ایضاً گرایشهای ناسیونالیستی محلی بمقابله برخاست ... حزب و مردم ما پیروی از این وصیت کبیرانقبر لنینی را وظیفه مقدس خود میشمارند » .

لئونید برژنف ضمن افشای ماهیت تجاوز کارانه امپریالیست هیستگی و پیوند میان کشور های سوسیالیستی ، جنبش جهانی کمونیستی و جنبش آزادیبخش ملی را خاطر نشان ساخت و گفت «برای تمام جامعه بشری موهبت عظیمی است که نیروی متحد کشور های‌سوسیالیستی وسیاست‌فعال‌ودفاع‌مجدانه آنها از صلح تلاشهای تجاوز کارانه امپریالیستها را عقیم میگذارد و در راه تجاوز کاران برای برافروختن نائره جنگ جهانی موشکی هسته ای مانع قاطع پدید میآورد ... و اما آنجا که امپریالیست ها بهر حال راه ماجرا جوئی نظامی را علیه این یا آن کشور سوسیالیستی در پیش میگیرند و یا به مد انقلاب باصطلاح «بی سر و صدا» متوسل میشوند نیرو و هیستگی کشور های سوسیالیستی را در برابر خود مشاهده میکنند» .

دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی ازیکتار قهرمانانه خلق قهرمان ویتنام با تجلیل فراوان یاد کرد و گفت :

«هیچ نظام اجتماعی دیگری بجز نظام سوسیالیستی نمیتوانست به پیکار آزادیبخش مردم ویتنام چنین دامنه عظیم ، چنین تشکل، چنین ثبات قدم و استقامتی بدهد. هیچ نیروی سیاسی دیگری بجز حزب مارکسیست - لنینیست نمیتوانست خلق رزمنده را به چنین درك روشنی از هدفهای مبارزه مجهز سازد و به قهرمانی توده ای بر انگیزد . قهرمانی میهن پرستان ویتنام توأم با نیروی هیستگی سوسیالیستی و کمکهای وسیع اتحاد شوروی و سایر کشور های سوسیالیستی ماجراجوئی امریکا را در ویتنام عقیم گذارده است . قهرمانی ویتنام برای همیشه در سینه تاریخ‌ثبت خواهد ماند. سرفراز ومفتخر باد خلق‌قهرمان ویتنام !» .

نمایندگان احزاب کمونیست وکارگری ضمن شادباشهای مهیج خود از مردم شوروی و حزب کمونیست پروردهٔ لنین با تکریم و تجلیل فراوان سخن گفتند .

رهبران جنبشهای آزادیبخش ملی و بویژه نمایندگان خلقهائی چون ویتنام رزمنده و کشور های عربی که در برابر تجاوز امپریالیسم دد منش امریکا سلاح بدست و جان بکف از آزادی و استقلال میهن خود دفاع میکنند و نیز نماینده کوبا که تا همین چندی پیش آماج تجاوز مستقیم پیران امریکائی بود بار دیگر مراتب سپاسگزاری عمیق خود را از پشتیبانیهای قاطع و کمك های عظیم اتحاد شوروی ابراز داشتند .

رفیق لو دو آن دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام پس از تأکید این حقیقت که پیروزی عظیم انقلاب ویتنام با پشتیبانی نیرومند جنبش جهانی کمونیستی و با کمکهای گرانبهای اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی پیوند ناگسستنی دارد گفت :

«ما در این مجلس با شکوه از جانب حزب خود ، از جانب طبقه کارگر ویتنام ، از جانب مردم ویتنام مراتب سپاسگزاری عمیق خود را از لنین بزرگ ، از حزب کمونیست اتحاد شوروی و از خلق شوروی برادر خود ابراز میداریم» .

رفیق هوسو آن سون عضو هیئت دبیران کمیته مرکزی جبهه ملی آزادی‌ویتنام جنوبی گفت :

« حزب کمونیست شوروی ، دولت شوروی و مردم شوروی اکنون نیز مانند گذشته از مردم‌ویتنام که در سنگر مقدم پیکار ملل علیه امپریالیسم تجاوزکار و جنگ طلب امریکا میجنگند هواخواهی و پشتیبانی میکنند و کمکهای عظیم و مؤثر بآنان مبذول می دارند . . . مردم ویتنام جنوبی نیك میدانند که پیروزیهای آنان در جریان جنگ مقاومت علیه تجاوز امریکا و در پیکار بخاطر رهائی میهن با هواخواهی ، پشتیبانی و کمکهای عظیم و مؤثر اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی و تمام ملل صلحدوست جهان پیوند ناگسستنی دارد . ما برای همیشه این سخنان لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را در قلب خود محفوظ خواهیم داشت که « اتحاد شوروی عزم راسخ دارد به خلق ویتنام برادر که در راه امر حق به پیکار مشغول است از هر جهت کمك کند. این کمك آنقدر ادامه خواهد یافت که امپریالیست های امریکا به ماجراجوئی بیشرمانه و تبهکارانه خود پایان دهند و کور خود را از ویتنام گم کنند » .

رفیق دورتیکوس تورادو دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا و رئیس جمهوری کوبا گفت :

« در مورد کشور من حق است که به تمام اهمیت هیستگی اتحاد شوروی - کشور آفریدهٔ انقلاب تحت رهبری لنین - با انقلاب کوبا اذعان گردد . کافیست یاد آور شویم که وقتی امپریالیسم به تهدید کشور ما و آماده شدن برای تجاوز مسلحانه بآن پرداخت اتحاد شوروی سلاحی را که برای تأمین دفاع ما ضروری بود براوگان در اختیار ما گذاشت و آنگاه که امپریالیسم به قصد قلع ساختن اتحاد ما از تحویل نفت بما سر پیچید اتحاد شوروی با فرستادن نفت برای ما کاربی وقفه اقتصاد ما را تأمین کرد .

وقتی امپریالیسم بازارهای خود را بروی قند ما بست اتحاد شوروی تصمیم به خرید آن گرفت و بدینسان مشکل صادرات را که برای ما ضروری بود حل کرد . . . بجاست بار دیگر در این روزهای با شکوه یاد آوریم که مردم زحمتکش سراسر جهان چه اندازه مرهون فعالیت لنین ، اندیشه های او و انقلابی که او به پیروزی رسانده هستند ، چه اندازه مرهون خلق کبیر شوروی هستند که برای‌تأمین آینده بهتر تمام جامعه بشری مساعی بی پایان بکار برده و قربانی های عظیم داده است » .

علی مبصری عضو هیئت اجرائی عالی اتحاد سوسیالیستی عربی جمهوری متحد عرب گفت :

« خلق عرب موضع گیری محکم و شرافتمندانه خلقهای اتحاد شوروی و نیز تمام ملل صلحدوست کشور های سوسیالیستی را در پشتیبانی از پیکار قاطع کنونی خلق عرب سپاس میگوید و برای آن ارزش عالی قائل است » .

جشن تاریخی صدمین سالروز تولد ولادیمیر ایلیچ لنین برای همیشه در خاطره ملل جهان باقی خواهد ماند .

خیابانی و قیام آذربایجان

دنباله از صفحه ۳

است .

خیابانی میگفت « ما میبریم بجهت این که دموکراسی ایران زنده شود » و « وقتی که بنام خود و رفقای خود اعلام میکنیم که ما حاضر برای مردن در راه آزادی و استقلال هستیم ، هم معنی « حاضر بودن » ، هم « مردن » و هم معنی « آزادی و استقلال » را خوب میدانیم » .

خیابانی و همرزمان او و پس از آنان صدها تن دیگر ازپاکترین و میهن دوست ترین فرزندان ایران بخاطر آرمانهای والای خود و در راه آزادی و نیکبختی هم میهنان خود جام شهادت نوشیدند . تجارب مثبت و منفی مجاهدان گذشته جانبازیهای آنان درس آموزنده و گرانبهائی برای مبارزان کنونی آزادی و استقلال ملی کشور ماست .

مسعود

توجه

سخنان لنین در بارهٔ ایران بزبان آذربایجانی انتشار یافت

درود به کارگران زندانی که به گناه مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی خود در زندانهای شاه بسر میبرند

نجاوز بیشرمانه امریکا به کامبوج

دنباله از صفحه ۱

در هندوچین اعلام کردند. زیر فشار نیرومند این تظاهرات کمپیون خارجه امریکا و عده زیادی از اعضای کنگره، نیکسون را مورد استیضاح قرار دادند و سیاست او را ناقض قانون اساسی امریکا شمردند.

بکار انداختن ماشین عظیم جنگی پر کشترین کشور سرمایه داری جهان با تمام نیرو علیه مردم بیگناه هندوچین، سوزاندن جنگلها و دشتهای شرم و سر سبز، نابود کردن شهرها و دهکده ها، مدفون کردن ده ها هزار زن و کودک و مردم غیر نظامی زیر دریائی از آتش نابنک و بمب و توپ و وسائل مرگ آور، چنان جنایت بزرگی است که نمیتواند وجدان بشریت را برنیانگیزد. فقط صاحبان صنایع بزرگ [illegible]لحه سازی، انحصارهای سرمایه داری، رسالهای پنتاگون و بطور کلی اشعار گرانند که فاقد وجدان بشری هستند و سود خود را در نابودی ملتها و کشورها جستجو میکنند. دلائل شرم آور نیکسون در سخنرانیهای پیاپی خود که برای فرو نشاندن آتش خشم مردم امریکا ایراد میکند، بقدری پوچ و ابلهانه است که نمیتواند احدی را قانع کند. او میگوید ما برای کشف مرکز ستاد «ویت کنگ» در داخل کامبوج، کوشاه کردن جنگ، نجات جان سربازان و حفظ اقتدار پیروزی برای ارتش امریکا باین جنایت مبادرت کرده‌ایم! اولا صرفنظر از اینکه وجود ستاد «ویت کنگ» در کشور دیگری که کامبوج باشد و چه کشور دیگر مجوز هجوم و حمله بآن کشور نیست، اخبار منابع امریکائی از جبهه جنگ تصریح میکنند که با وجود تصرف صدها کیلو متر مربع از خاک کامبوج و تب[illegible]نها بصحرای سوزان، اثری از ستاد «ویت کنگ» بدست نیامده است. این امر از اول معلوم بود و نیکسون فقط برای توجیه اقدام خود (۱) چنین دروغی دست زده بود. ثانیاً ادامه و توسعه جنگ در هندوچین چگونه میتواند بمعنی کوتاه کردن جنگ باشد؟ نابودکردن جان سربازان امریکا جز از راه فرا خواندن آنها بامریکا و ترک جنگ چگونه ممکن است تامین شود؟ و اما چه کسی جز آدمکشی چون نیکسون می تواند ادعا کند که قتل عام مردم بی آزار در خاک کی هزاران کیلومتر از امریکا بسعد است، افتخار آور و غرور انگیز است؟ و چنین منطقی است که پس از کلوله باران کنونی تظاهرات مردم امریکا و قتل فجیع چهار دانشجوی جوان و شش نفر دیگر و مجروح و زندانی کردن صدها نفر، نیکسون مردم را بآرامش دعوت میکند. اظهارات نیکسون باندازه‌ای دیوانه وار بود که یکی از وزرای او استعفا داد. منابع امریکائی اشعلب را پنهان نمیکنند که حکومتمدان دچار بحران شده و گروهی از سیاستمداران با تجربه نظیر هرمن تصمیم نیکسون را حتی جسورانه رژیم خود یعنی سرمایه داری میدانند. واقعیت این است که جز ننگ و افتضاح و سرانجام شکست چیزی در انتظار این سیاست نیست. مردم جهان و در پیشاپیش آنها اردوگاه سوسیالیسم خلقهای مظلوم و رزمنده هندوچین را در جنگلی عفریت جون آشام امپریالیسم امریکا یکه و تنها نگذاشته و نخواهند گذاشت.

مقاومت دلاورانه مردم ویتنام و کمک های بیدریغ و مؤثر کشورهای سوسیالیسی و در رأس آنها اتحاد شوروی و پشتیبانی میلیونها و میلیونها نفر مردم صلحدوست و مترقی جهان سالهاست که هوس پیروزی امریکا را در این گوشه از جهان بخیالی خام و باطل تبدیل کرده است. اینك نیز تشبثات مأیوسانه نیکسون که بقیمت خون هزاران نفر انسان تمام میشود، نخواهد توانست افسانه پیروزی و اقتدار را برای هارترین قشر سرمایه داری امریکا بحقیقت تبدیل کند. جنبش نیرومند ضدامپریالیستی و صلح طلبانه ای که در سرا سر جهان، گسترش یافته هرروز آگاهانه‌تر و مؤثرتر بتجاوزات امپریالیسم با مبارزات خود پاسخ میدهد. رئیس دولت اتحاد جماهیر شوروی رفیق کاسیگین ضمن مصاحبه خود اقدام تازهٔ تجاوز کارانه امریکا را در هندو. چین بشدت محکوم کرد. اعلامیه تاس و جرائد شوروی همدردی دولت و مردم شوروی را با مردم کامبوج و آمادگی خود را برای ادامه کمك بخلقهای هندوچین خاطر نشان کردند. دولت شوروی تأثیر منفی سیاست امریکا را در تشدید وخامت اوضاع بین‌المللی بیان داشت و بامریکا اخطار نمود که این اقدام و نظائر آن مانع بزرگی در راه حل مسائل جهانی که حفظ صلح وابسته بدانهاست میباشد. کشورهای دیگر سوسیالیستی و مردم بیگناه جهان نیز بنوع خود باشکال گوناگون سیاست امریکا را محکوم و همدردی خود را با خلقهای این منطقه بوسیله تظاهرات وسیع که در کشورهای سرمایه داری همراه با زد و خوردهای خونین بود، ابراز کردند.

وعده های نیکسون مبنی بر اخراج نیروهای امریکا از کامبوج تا آخر ماه ژوئن ۱۹۷۰ و توضیحات مکرر رادیو - تلویزیونی و مذاکرات مستقیم او بوسیله تلفن با مظاهر کنندگان، نتوانست در جنبش وسیعی که در داخل علیه سیاست او بوجود آمده تخفیفی بدهد. اینك سیاست ترور پنهان شدتی که در خارج علیه مردم هندوچین اعمال میشود در داخل امریکا اجرا میگردد. روز دهم ماه مه نماینده ایالت ماساچوست را که مخالف سیاست نیکسون بود در خانه خود کشته یافتند. این نمونه ای از سیاست داخلی امریکا در مورد مخالفین جنگ است.

اما طبرغم این سیاست از هم اکنون پیداست که شکست دردناکتری دامنگیر امپریالیسم امریکا در هندوچین خواهد شد. خلقهای ویت نام و کامبوج و لائوس در جبهه واحدی با پشتیبانی مردم دنیا این درنده لجام گسیخته را از مرز و بوم خود خواهند راند و داغ پیروزی را بر دل سنگین امپریالیسم امریکا خواهند گذاشت.

زندان و زندانیان . . .

دنباله از صفحه ۲

اینکه تا آن تاریخ کارگران مبلغی جزئی بعنوان اضافه دستمزد دریافت میداشتند.

این تعدی بحقوق مسلم کارگران و قانونشکنی آشکار در بین کارگران ایجاد ناراحتی نمود و در نتیجه اعتراضات کارگران شروع شد. کارگران تصمیم گرفتند بطور دستجمعی، متحد از خود دفاع نمایند، برای این منظور آنها روز سه شنبه ٤ فروردین به محل کار خود آمدند، ابزار و وسائل کار را نیز گرفتند ولی اعلام نمودند تا مقررات جدیدیکه غیر قانونی است لغو نشود کار را شروع نخواهند کرد.

وقتیکه کارگران تراشکار ماشینها را از کار انداختند و سکوت در ماشینخانه ها حکمفرما شد، همهٔ کارگران دریافتند که لحظهٔ مقاومت و همدردی و مبارزه فرا رسیده است. خیر نشستن ماشینخانه ها، بشکه سازی و تلمبه خانه ها بسرعت بتمام قسمتها رسید و تا عصر سه شنبه اعتصاب همگانی شد. کارگران همه جا درخواست میکردند کمیاد در طرح جدید طبقه بندی تجدیدنظر شود. وقتیکه رؤسای شرکت، فرمانداری و سایر مأمورین دولت بدا تهدید و جمله خواستند مقاومت دستجمعی کارگران را در هم‌شکنند آنها همه‌با هم فریاد میزدند(مماده ٤٧ ج) منظورشان این بود که طرح طبقه بندی است که ما را بنشستن واداشته، در طرح تجدید نظر کنید فورا ماشینها براه خواهند افتاد. نشست و خودداری کارگران از کار تا روز ۱۳ فروردین ادامه داشت و در این روز از طرف رؤسای شرکت نفت اعلامیه‌ای صادر شد و مقرر گشت که طرح مزبور اجرا نشود. در این روز های همبستگی و مبارزهٔ کارگران، عموم کارگران تجربیات درخشان آموختند. آنها فهمیدند که با اتحاد و مبارزه میتوانند از حقوق خود دفاع نمایند، میتوانند جلوی قانون شکنیها و مظالم‌دستگاهرا بگیرند و دوستی وبرادری خود را عمیقتر نمایند. در این روزهای مبارزه همه بهم کمك میکردند، با هشیاری انقلابی و اتحاد دسته های دشمنان کارگران را در هم میشکستند و تقه های عوام فریبانه‌ها کارگری را فاش میکردند.

اکنون کارگران شرکت‌نفت، کارگران آبادان و ماهشهر بااستفاده از تجارب دوران ده روزهٔ اعتصاب پیش از پیش بهم میپیوندند و برای بهبود شرایط کار و زندگی خود صمیمانه با هم همکاری میکنند.

بما مینویسند

دنباله از صفحه ٤ ـ ٥

این وجود در کلیه زندانهای کشور از دکتر و دارو و درمان خبری نیست و باوجود مراجعات مکرر زندانیان بیمار، سازمان‌امنیت از تأمین وسایل معالجهٔ آنان خودداری میکند. در قبال اعتراض زندانیان گفته میشود که ما شما را اینجاآوردیم که سالم بمانید بلکه باید بیمار و علیل از زندان خارج شوید. برای نمونه عده‌ای از زندانیان تودهای از مدتها قبل بیمارند و هیچ اقدامی برای درمان آنان بعمل نمیآید.

حمایت از زندانیان سیاسی وظیفه
میرم همهٔ مبارزان ضد رژیم

زرمندگان پر شوری که خود را در آتش مقاومت میسوزانند تا شعلهٔ مبارزه را روشن نگاهدارند حاضر به تسلیم نیستند. آنان با توسل به اعتصاب، با اعتراضات دسته جمعی، با ارسال نامه به مقامات قضائی و مراجع دولتی، با ارسال نامه به مراجع بین المللی پرده از سیمای رژیم فاشیستی شاه بر میگیرند. اما مقاومت در درون زندان باید با حمایت همه جانبه از خارج زندان هم در در مقیاس کشور و هم در عرصه بین المللی توأم شود تا نتیجه لازم بدست آید. زندانیان بند ۳و٤ زندان قصر در نامه خود مینویسند: «رژیم میخواهد زندانیان سیاسی با هر فکر و مرام سیاسی و اجتماعی را در زندانها نابود کند، ای ایرانیان متحداً از مبارزه ماحمایت کنید.»

در سند مهم کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری میخوانیم که: «باید برای نجات میهن پرستان و آزادیخواهان که خطر مرگ تهدیدشان میکند، علیه بیدادگری دادگاهها نسبت به کمونیستها و سایر میهن پرستان هم در مقیاس ملی وهم در مقیاس بین المللی مبارزهٔ مستمر انجام گیرد. پایدرای آزادی میهن پرستان و آزادیخواهانی که در زندانها رنج میکشند مبارزه شود.»

آزاد مردان پیکار جوئی که برای دفاع از ارزشهای انسانی، برای حراست از استقلال میهن خود در برابر بیگانگان امپریا لیست و مزدوران داخلی آنان قد بر افراشته اند به حمایت نیازمندند باید هم برای نجات آنان مبارزهٔ پیگیر و هم آهنگی را دامن زد و هم امر رسانیدن کمك به زندانیان و خانواده هایشان را سازمان داد. اگر کلیه نیروهای مختلف رژیم‌در این دو عرصه متفقاً عمل کنند گام بزرگی در دفاع از زندانیان استعمار برداشته شده است و نیروی عظیم پرخاش‌توده ها را به زندانیان و شکنجه گران نشان میدهد.

مینو

مرگ بر تجاوزکاران امریکائی! زنده باد مبارزه دلیرانه خلقهای هندوچین علیه امپر یالیسم!

۱۰ فروردین

امپریالیسم امریکا در هندوچین خواهد شد.

خلقهای ویت نام و کامبوج و لائوس در جبهه واحدی با پشتیبانی مردم دنیا این درنده لجام گسیخته را از مرز و بوم خود خواهند راند و داغ پیروزی را بر دل سنگین امپریالیسم امریکا خواهند گذاشت.

درود به روحانیون آزادیخواه و همهٔ زندانیان سیاسی که بندی استبداد هستند

اطلاعیه

کمیته مرکزی حزب توده ایران

با اینکه دبیر خانهٔ کمیته مرکزی حزب توده ایران طی اطلاعیهٔ رسمی که در آذرماه ۱۳۴۸ منتشر ساخت صریحاً و قویاً اخبار مجعول مطبوعات ارتجاعی ایران را دربارهٔ «همکاری» ادعائی حزب ما با تیمور بختیار تکذیب نمود، باز اخیراً روزنامه های سر سپرده‌ای چون اطلاعات و کیهان و آینده گان بدستور سازمان امنیت همان اخبار دروغین را با جلای تازه‌ای انتشار داده و این بار مدعی شده‌اند که گویا دبیر اول حزب توده ایران دکتر رضا رادمنش با تیمور بختیار همکاری نزدیک داشته و حتی در ضیافت رئیس سابق سازمان امنیت شاه که اکنون نظر بدلائل معلوم مورد غضب قرار گرفته حضور بهمرساندهٔ است.

هدف تجدید مطلع روزنامه های مزدور دربار و نوکران گوش بفرمان سازمان امنیت و اشاعهٔ این قبیل اخبار سراپا دروغ از جانب رژیم ضد ملی و ضد آزادی کنونی علیه حزب تودهٔ ایران بر همگان روشن است. متلائیکه روزنامه های اطلاعات و کیهان و دیگر نوکران حلقه بگوش سازمان امنیت شاه دراین باره منتشر نموده‌اند، بقدری مبتذل و سرهم بندی است که روی گزارشهای مأمورین شهربانی در گاهی و مخبری را سفید میکنند و بهمین سبب نیز ارزش آنکه جز تکذیب چیز دیگری دربارهٔ آنها گفته شود ندارند.

اما آنچه در این ماجرا بیش از همه شایان توجه است همداستانی تمام عیار کسانی است که بنام سازمان انقلابی حزب توده ایران در خارج از کشور اعلامیه پخش میکنند و زیر پرچم مالوته تونگ آب بآسیای سازمان امنیت شاه میریزند. اینان که بجای مبارزه با امپریالیسم و رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی، عمده وظیفه خود را پیکار علیه حزب توده ایران قرار داده‌اند بگمان خود خواسته‌اند از این آب گل آلود ماهی بگیرند و راه خروجی برای جبران شکست ها و ناپسامانیهای خود بیابند، بهمین سبب اخبار مجعول سازمان امنیت و روزنامه های منتسب به آنرا بمثابه سکه نقدی پذیرفته بی چون و چرا همان دروغها را بصورت اعلامیه‌ای منتشر ساخته‌اند. بدینطریق سازمان امنیت در وجود این آقایان انقلابی نما بهترین متحدین و ناشرین افکار خود را یافته است.

این پدیده تازگی ندارد. در نهضت جهانی کارگری همه آنها که از اصول صحیح انقلابی عدول کرده و انحرافات چپ وزاست را جانشین اصول لنانیسم مارکسیسم-لنینیسم قرار داده‌اند، سر انجام در منجلاب خیانت و لجن زار همکاری علنی یا پنهانی با ارتجاع و امپریالیسم فرو رفته‌اند. این باصطلاح سازمان انقلابی نیز از این قاعده مستثنی نیست.

۱۸ اردیبهشت ۱۳۴۹ - ۸ مه ۱۹۷۰

هدفهای پنهانی پرواز «آپولو ۱۳»

جهانیان از بازگشت فضانوردان امریکائی پس از گذراندن خطری که تدارک ناقص و عجولانه موجب آن بود خرسند شدند. اینکه علتی تدارک ناقص از چگونه ثبات ناپاکسی بود امری است که خبرنگار معروف امریکائی «هری س. شوارتس» در شماره ۱۴ آوریل ۱۹۷۰ روزنامه امریکائی «نیویورک هرالد تریبیون» که نقل از ناکامی پرواز آپولو ۱۳ نوشته است - آنرا آشکار میکند.

* * *

روز چهارشنبه که «آپولو ۱۳» پرواز کرد روز سوسیتیک لنینی در شوروی بود، یعنی روزی که اتباع وفادار بکروز کامل کار را مجاناً بکشور خود می‌بخشند. پرواز موفقیت آمیز همزمان سومین کشتی فضائی امریکائی طبیعتاً میتواند از شور و شوق آن عده از اهالی مسکو که خبر را از «کپ کندی» میشنوند، بکاهد.

اما روز دوم پرواز «آپولو ۱۳» روز برقراری جشن فضا نوردی در شوروی است و سالگرد یوری گاگارین اولین مرد فضا پریما میشود. این واقعیت که فضانوردان امریکائی در آن روز بسوی ماه میروند نمیتواند جشن فضانوردان شوروی را مختل نکند.

و سر انجام چشم مردم جهان هفتهٔ آینده به «آپولو ۱۳» دوخته است و شاهد کوششی خواهند بود که برای بیشترین بررسی محیط ماه انجام خواهد شد، امری که در تاریخ بیسابقه است، ولی موافق نقشه شوروی از دو سال پیش نیمهٔ آوریل ۱۹۷۰ درست آن موقعی است که چشم جهانیان باید با یك هیجان فزاینده به تناسب نزدیك شدن صدمین سال تولد میلاد لنین بسوی مسکو دوخته باشد.

از همه بدتر برای مسکو آنست که بازگشت فضانوردان «آپولو ۱۳» بزمین یك روز پیش از میلاد لنین رخ خواهد داد، درست در آن ساعتی که دبیر اول برژنف باید بنیاد گزار سیستم شوروی بسخنرانی بزرگی دست زند.»

توجه

بمناسبت صدمین سالگرد تولد لنین منتخبات لنین بزبان فارسی در چهار جلد تجدید چاپ خواهد شد. جلد اول بزودی انتشار خواهد یافت.

تغییر شمارهٔ حساب بانکی

بیك ایران

شماره حساب بانکی بیك ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المللی بشرح زیر تغییر یافته است:

Sweden
Stockholm
Stockholms Sparbank
N: 0 400 126 50
Dr. John Takman

به همرزم زندانی

بهر زندان که باشی، دور یا نزدیك، چون پرتو
که از صحرا و از کوه و کمر ره میبرد چالاك.
نه از جاسوس او را بیم و نی از پاسبانش باك،
شکافد با روی تاریك و سنبد بیمهٔ آهن،
بگرمی میتراود از خلال رخنه و روزن.
بسوی تو، بسوی دوست، می پوید درود ما.

●

در آغم، کاندر آن زندان، چنان تنهائی و یکس
که گوئی آشنائی در همه عالم نمیداری؛
چنان بی رونق و مرده است پیرامون، که پنداری
ندارد هیچگه این سرنوشت تیره پایانی؛
در آغم، یکمان میباش ای همرزم زندانی
یاد تو، برای تو است، پرخاش و سرود ما.

●

چو یك شهباز خونین بال بر این عرصه غمگین
پروازیم، تیر دشمنان از هر سوئی پران.
گهی بر خاك محنت پنجه میسائیم، دیگر گه
دوباره اوج میگیریم با نیروی جاویدان،
که پروازیم از نالیدن بسود نومیدان.
چه خوش فرمود این اخوز را دهقان پدر افغان
چه بیم از رنج امروزی چو باشد گنج فردائی.
همانا نیست نزدیکی که در یك صبح رؤیائی
بشادی در دیار آرزو باشد فرود ما.

●

ستمگر گر بخوت سوی تو بیند، دل سرکش
ز تن بر کش، بنه بر کف، بگو مغرور: در گیتی،
بجز یك قلب پر از مهر انسانهای رحمتکش
چه دیگر خواستاری حاصل از بود و نبود ما.

ا. س.

«عملیات نیکسون در کامبوج آشکارا بکار بردن بیشرمانه اعمال زور نظامی بشیوهٔ جنگ برق آسای هیتلری است. غنیمتی که از این مهاجمه بدست می‌آید بسیار رقت انگیز است. خواربار های مصادره شده (خواربار چه کسانی؟) کلبه های ویران شده (چه کلبه هائی؟) انسانهائی کشته شده اند (کدام انسانها؟).»

(روزنامه بورژوائی انگلیسی «نیو استیتسمن»)